

از تاریکی غیبت امام عصر علیہ السلام

تاریخ‌شناسی ظهور

سید مسعود راد

سرشناسه: راد، سید مسعود، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: از تاریکی غیبت امام عصر (عج) تا روشنای
ظهور / نویسنده سید مسعود راد.
مشخصات نشر: تهران: گل نرگس، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۱ - ۳ - ۹۹۲۷۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - غیبت.
موضوع: Muhammad ibn Hasan, Imam XII Occultation
موضوع: مهدویت - انتظار.
موضوع: * Waitin - Mahdism
رده بندی کنگره: الف ۲ / ۴ / ۲۲۴ BP ۴ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۲۰۸۳۱



نام کتاب از تاریکی غیبت امام عصر (عج) تا روشنای ظهور
نویسنده دکتر سید مسعود راد
ناشر گل نرگس
نوبت چاپ سوم (چاپ اول: ۱۳۹۹)
شمارگان
شابک ۱ - ۳ - ۹۹۲۷۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸ ۱ - ۳ - ۹۹۲۷۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸

مراکز پخش:

۰۹۱۲۷۰۹۲۸۷۶ و ۰۳۳۵۶۰۵۵۹ - ۰۲۱ و شماره پیامکی ۰۵۰۰۵۴۰۰۴

سه راه طالقانی (تقاطع شریعتی و طالقانی)، جنب سینما صحرا

پلاک ۱۷۳، کانون اسلامی انصار - ۷۷۶۳۲۰۰۷ - ۰۲۱

WWW.GOLENARGES-PUB.IR

EN.GOLENARGES@GMAIL.COM

فهرست مطالب

۸	تشکر و سپاس
۱۵	پیشگفتار
۱۵	جهان زشت، جهان زیبا
۳۱	مقدمه
۳۱	آینده‌ی جهان
۳۲	«نامه‌ای به دخترمان»
۳۵	نامه‌ی آقای سید مسعود راد به آقای مارک الیوت زاگریس

جسمانی که در آن زندگی می‌کنیم

۴۳	«زمان آگاهی» و اهمیت آن
۴۷	«زمان آگاهی» در عصر غیبت
۵۷	عصر سردرگمی علم و افسارگسیختگی تکنولوژی
۵۷	تکنولوژی پایه‌ی علم، رفاه و سلامت
۶۰	بهداشت و درمان

- ۶۰ تأثیرات مثبت تکنولوژی بر جامعه.
- ۶۳ تکنولوژی و سلطه‌گری
- ۶۷ تکنولوژی و زوال فرهنگی
- ۷۱ تکنولوژی و افسارگسیختگی
- ۷۷ تکنولوژی و انزوای انسان
- ۸۳ تکنولوژی و هرزه‌نگاری
- ۹۱ تکنولوژی و عدم امنیت
- ۹۳ جنگ تکنولوژی اطلاعات
- ۹۵ جنگ جاسوسی هکرها
- ۹۷ آینده‌هایی از غیب
- ۱۰۳ پیش به سوی جهان زیبا
- ۱۰۷ عصر نابرابری اقتصادی، فقر و فقر
- ۱۰۹ عقب ماندگی و فقر شدید
- ۱۱۴ بیل گیتس: چرا هنوز در آفریقا گر سنگ و چرم دارد؟
- ۱۲۱ جنگ اقتصادی؟! (پنهان و آشکار)
- ۱۲۱ جنگ اقتصادی پنهان
- ۱۲۴ جنگ اقتصادی آشکار
- ۱۲۷ تبعیض نژادی در جهان؟!
- ۱۳۱ آینده‌هایی از غیب
- ۱۳۵ پیش به سوی جهان زیبا
- ۱۳۹ عصر فروپاشی خانواده، ارزش‌های اخلاقی و دینی
- ۱۴۱ نهاد خانواده در جهان مدرن امروز

۱۴۲	توجیهات مدرنیستی برای فروپاشی خانواده در جهان
۱۴۵	ازدواج و طلاق سپید یا سیاه؟!
۱۴۸	آیا کشورهای اسکاندیناوی بهشت خانواده‌اند؟
۱۵۱	فروپاشی اخلاقی خانواده
۱۵۲	قانونی شدن همجنس‌گرایی
۱۵۴	مراسم ازدواج رسمی همجنس‌گرایان
۱۵۵	همجنس‌گرایان و داشتن حق سرپرستی فرزند
۱۵۶	ازدواج با حیوانات
۱۵۷	برگزاری مراسم ازدواج با حیوانات
۱۵۹	بشر متمدن و اخلاق فردی، اجتماعی
۱۶۰	جرم و جنایت
۱۶۲	اعتیاد به الکل و مواد مخدر
۱۶۲	دزدی و فساد در دانشگاه‌های ایران
۱۶۴	برده‌داری و بهره‌کشی از انسان
۱۶۷	دین ستیزی، دین‌گریزی و اسلام‌هراسی
۱۶۸	شیطان‌پرستی
۱۶۹	مثلث شوم، ضد اسلام و تشیع
۱۷۱	در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی
۱۷۱	در عرصه‌های هنری و فیلم‌سازی
۱۷۵	در حوزه‌های فرهنگی و عرصه‌ی نشر کتاب
۱۸۱	دین‌گریزی در غرب
۱۸۳	گرایش مردم جهان به اسلام
۱۸۹	آینه‌هایی از غیب
۱۹۷	پیش به سوی جهان زیبا

- ۲۰۱ عصر جنگ، ناامنی و معضلات زیست محیطی
- ۲۰۳ امنیت یا عدم امنیت جهانی؟!
- ۲۰۳ سلاح‌های کشتار جمعی
- ۲۰۷ تجارت اسلحه
- ۲۰۷ سازمان‌های جاسوسی
- ۲۰۹ صنعت تروریسم
- ۲۱۳ مسلات زیست محیطی و درمان بیماری‌ها
- ۲۱۴ ازدیاد جمعیت و فقر
- ۲۱۴ آلودگی هوا
- ۲۱۵ باران‌های اسیدی
- ۲۱۵ انقراض گونه‌ها
- ۲۱۷ آلودگی آب‌ها
- ۲۱۷ کمبود آب در جهان
- ۲۱۷ «کم‌آبی و خشکسالی، خطری بزرگتر از سلاح هسته‌ای»
- ۲۱۸ عواقب وخیم کم‌آبی
- ۲۲۰ جهان در محاصره بیماری‌های نوپدید و پاندمیک
- ۲۲۰ بیماری‌های کشنده‌ی نوظهور
- ۲۲۳ آینده‌هایی از غیب
- ۲۲۷ پیش به سوی جهان زیبا

جهان‌زیبایی که خواهد آمد

- ۲۳۳ در چه عصر و زمانی زندگی خواهیم کرد؟
- ۲۳۳ «ظهور آگاهی» و اهمیت آن
- ۲۳۴ ویژگی‌های امام زمان (عج)

۲۳۴	عالم به کلیه قوانین و احکام مورد نیاز بشر
۲۳۵	داشتن قدرت فوق العاده
۲۳۵	دوری از هرگونه خطا و اشتباه
۲۳۶	قانون گذاری
۲۳۷	اجرای قانون
۲۳۸	پاکسازی زمین از وجود ستمگران
۲۴۰	اهمیت «ظهور آگاه» کردن مردم جهان
۲۴۵	پنجره‌ای بر روی افق
۲۴۷	دولت کریمه و اعدای دین و نبوت جهانی
۲۵۰	دولت کریمه و نظام سیاسی عدالت‌محور
۲۵۲	دولت کریمه و نظام اقتصادی مساوات‌محور
۲۵۳	دولت کریمه و محوریت قرآن
۲۵۴	بخشنده‌گی و دست و دل بازی امام (علیه السلام)
۲۵۵	بی‌نیازی و غنای عمومی
۲۵۶	علم و قدرت امام و گسترش علم و حکمت در جهان
۲۵۹	بهداشت، سلامت جسمی و روحی، خشنودی و رعایت عمومی
۲۶۱	احیای سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حمایت از مؤمنین
۲۶۲	رشد اخلاقی مردم و جهانی شدن دین
۲۶۳	همراهی و بخشنده‌گی طبیعت
۲۶۴	صلح حیوانات و همراهی با انسان‌ها
۲۶۵	رشد علم و فرهنگ و عقل و حکمت
۲۶۶	گسترش دوستی، صمیمیت و اعتماد در بین مردم
۲۶۷	امتیت، آسایش و آبادانی در سراسر جهان

۲۶۸	 قضاوت داوودی و علم و آگاهی سرشار امام علیه السلام
۲۶۹	 زبان جهانی در عصر ظهور
۲۷۰	 ابزارها و تکنولوژی عصر ظهور
۲۷۳	 لحظاتی در نور
۳۳۳	 مصباح نور
۳۶۱	 منکات نور
۳۶۴	 دعای اتصال به نور
۳۶۵	 منابع و مأخذ

جهان زشت، جهان زیبا

هنرجوران کلاس آموزش نقاشی یکی یکی وارد کلاس شدند آن‌ها به بیست نفر بودند با تعجب مشاهده کردند که تصویر بزرگ یک کهدک زیبا به دیوار کلاس چسبانده شده است این تصویر با خطوط بسیار نازک و کم‌رنگ به بیست قسمت مساوی تقسیم شده و ابعاد آن، تقریباً ۲ در ۱ متر بود. استاد به معلم ورود به کلاس را دان‌ش‌آموزان گفت: امروز باید تصویر این کهدک را نقاشی کنید یا به قولی کپی کنید اما هر کس باید قسمت مربوط به خودش را که با شماره مشخص شده نقاشی کند نه کل تصویر را. هنرجویان دیدند که شماره‌ی کلاسی هر دانش‌آموز گوشه‌ی هر قسمت نوشته شده است. استاد ادامه داد من می‌روم؛ ولی حتماً برمی‌گردم تا کارهای شما را ببینم و به بهترین

تصویر، بالاترین نمره را داده و او را دستیار خود کنم. استاد این را گفت و از کلاس خارج شد هنرجویان با رفتن استاد سراسیمه شروع به کار کردند هر کس قسمت مربوط به خودش را نقاشی کرد و یک ساعت گذشت استاد بازگشت و وارد کلاس شد به چهره‌های متبسم هنرجویان که نگاه کرد. احساس کرد که هر کس از کار خود راضی به نظر می‌رسد. استاد کارها را یک به یک بررسی کرده و نمره‌های متفاوتی به آن‌ها داد فقط سه نفر از هنرجویان توانستند نمره بیست بگیرند آن سه احساس غرور و خوشحالی کردند و پیش خود فکر می‌کردند حتماً آن‌ها دستیار استاد خواهند شد. ولی استاد گفت خیلی به خود مغرور نشوید. این نمره‌هایی که به شما دادم نمره‌ی کامل نیست؛ این نمرات باید از نمره‌ی ضریب هماهنگی، که حداکثر ۳ است، ضرب شود؛ اگر کسی توانست بالاترین نمره از ۶۰ را بگیرد، می‌تواند دستیار من شود و بعد به دو نفر از هنرجویان گفت که قطعاً هم کشیده شده را در جای خود، روی دیوار بچسبانند. وقتی تصاویر در کنار هم چسبانده شد، تصویر کودک بسیار ناموزون، خنده‌دار و مضحک شد و هنرجویان به هم خندیدند استاد وقتی خوب به تصاویر نگاه کرد، گفت: هرکدام از شما مطمئن بودید که تصویر درست و مناسبی کشیده‌اید؛ ولی هیچ‌کدام به تناسب تصویر خود با تصاویر بقیه توجهی نکرده‌اید؛ البته تصاویر همه شما در یک درجه نیست بعضی ضعیف و فاقد

ارزش هنری است؛ بعضی هم خیلی زیباست؛ ولی زیباترین تصویر هم فاقد هماهنگی است. یکی قسمت خود را کوچک و یکی بزرگ کشیده، ضخامت خطوط با هم تناسب ندارد بعضی از رنگ آمیزی‌ها بسیار زشت است و با بقیه هماهنگی ندارد و... بعد استاد رو به همه کرده و گفت: نمره‌ی هماهنگی همه شما صفر است؛ پس بنابراین نمره‌ی همه‌ی شما صفر خواهد شد؛ زیرا هر عدد که در صفر ضرب شود، حاصل آن صفر خواهد شد. همه دانش‌آموزان و به خصوص کسانی که نمره‌ی بیست آورده بودند، بیشتر از بقیه ناراحت شدند. یکی از آن‌ها گفت: استاد، تصویر من که از همه بهتر بود، چرا مرد من صفر شد. استاد گفت: اگرچه تصویر تو و آن دو نفر، به تنهایی واقعا قشنگ و زیبا بود ولی تصاویر ناقص مثل تصویر منیمی از دماغ یا نیمه‌ی یک گوش یا یک سوم از چشم. جذابیت زیادی برای بیننده ندارد؛ ما می‌خواسته‌ایم کمک هم، تصویر زیبایی چهره‌ی یک کودک را ترسیم کنیم و بعد گفت: حال از شما می‌خواهم تصویر دیدن را کشید و بعد تصویر منظره‌ی زیبایی را که به همان اندازه‌ی تصویر کودک بود؛ به آن‌ها داد تا به جای تصویر کودک، روی دیوار نصب کنند؛ و بعد به آن‌ها گفت: تصویر این منظره مثل تصویر قبلی آن خطوط محدود کننده را ندارد.

یعنی هر کس با مشورت با دیگران باید محدوده‌ای را برای خود تعیین کند و بعد با همکاری یکدیگر یک

تصویر به اندازه‌ی تصویر روی دیوار و کاملاً شبیه به آن بکشید. بعد در حالی که یک جعبه را که قبلاً با خود آورده بود را روی میز می‌گذاشت گفت ببینید بچه‌ها در این جعبه به اندازه‌ی مساوی برای همه مقداری لوازم طراحی، رنگ و لوازم رنگ آمیزی گذاشته‌ام وقتی رفتم به طور عادلانه بین هم تقسیم کنید تا هر کس در کشیدن تصویرش از آن‌ها استفاده کند. من می‌روم؛ ولی هر زمان احساس کردید که به وجود من نیازمندید از مدیر آموزشگاه آمدن مرا درخواست کنید. اگر مدیر اجازه بدهد، من خواهم آمد و به شما کمک خواهم کرد. اسامی بیرون رفت و هنرجویان شروع به گفت‌وگو کردند. آن‌ها در زمین محدوده‌ی نقاشی و تقسیم لوازم دچار مشکل شدند بعضی دوست داشتند که محدوده به صورت گروه تقسیم شود و برخی دوست داشتند، به صورت فردی. بعضی قسمت‌های آسان‌تر را می‌خواستند و برخی هم قسمت بزرگتر را. لوازم را هم سه نفر از بچه‌ها در اختیار گرفتند و برای خود بساطی راه انداختند و لوازم را بیشترین دست‌ان‌مان می‌دادند از کسانی که خوششان نمی‌آمد یا با او شکایت داشتند، لوازم نمی‌دادند؛ خلاصه اختلاف شدید شد. کار به جنجال کشید، بعضی با هم درگیر شدند کتک کاری کردند و چند نفر هم بوم نقاشی یکدیگر را شکسته یا پاره کردند و در نهایت چهار نفر باهم متحد شدند و بقیه بی‌صدا محدوده‌ی نقاشی خود را تعیین کرده به بقیه اعلان کردند و مشغول انجام نقاشی شدند و سعی

کردند به چیزهایی که استاد گفته بود خوب دقت کنند. بقیه هم به صورت انفرادی و بدون تعیین محدوده، شروع به کشیدن کردند. بعد از مدتی هنرجویان یکی یکی کارشان تمام شد وقتی تصاویر را روی دیوار نصب کردند تصویر منظره، بسیار زشت و ناهماهنگ بود. و سه تصویر هم به صورت تکراری کشیده شده بود؛ سه بوم هم که پاره و شکسته بود و قسمت آن‌ها خالی بود؛ اگرچه تصاویر آن چهار نفری که با هم متحد شده بودند؛ هماهنگ‌تر از بقیه بود؛ ولی در کل تصویر منظره، ناهماهنگ و زشت بود. هر کس دیگری را متهم می‌کرد و کسی هم حاضر نبود که تصویر خود را تغییر دهد. از آنجا تا یکشده، مدتی گذشت یکی از آن چهار نفر گفت من می‌روم و از مدیر می‌خواهم که استاد را برایمان بفرستد. وقتی او حرکت کرد، آن سه نفر دیگر هم که با او دوست بودند با او به راه افتادند و رفتند مدتی گذشت و آن‌ها برگشتند و دیدند که مدیر گفته است، باز هم باید تلاش کنید تا از سایریرتان زیباتر و هماهنگ‌تر شود تا این‌که استاد را بفرستد. مدتی گذشت بعضی از هنرجویان واقعاً تلاش کردند ولی هر چه زمان می‌گذشت، بیشتر احساس نرسدگی، درماندگی و دلمردگی می‌کردند. تا این‌که بالاخره استاد برگشت. اکثر هنرجویان خوشحال شدند استاد ابتدا به محض ورود تصاویر را کنار هم گذاشته و با دقت تک تک آن‌ها را بررسی کرد بعد به تصاویر آن چهار نفر دقت کرده و از آن‌ها به خاطر زیبایی تصویر و

هماهنگی‌شان تقدیر کرده و آن‌ها را دستیار خود نمود و بعد به بوم‌های شکسته شده و پاره نگاه کرد و بسیار ناراحت و خشمگین شد استاد از هنرجویانی که بوم یکدیگر را پاره یا شکسته بودند و آن‌هایی که لوازم را احتکار کرده بودند، توضیح خواست ولی آن‌ها هر یک دیگری را متهم می‌کرد و هیچ‌کدام حاضر به پذیرش اشتباه خود نبود، با توجه به این‌که استاد سابقه‌ی آن‌ها را می‌دانست و برایش کاملاً روشن و واضح بود که آن‌ها هیچ علاقه‌ای به آموزش نقاشی ندارند و - زورشان در کلاس نه تنها برایشان بی‌فایده است، بلکه مانع رشد دیگران هم خواهد شد؛ لذا استاد آن‌ها را از کلاس اخراج کرده و با بقیه شروع به کار کرد استاد ابتدا هنرجویان را نصیحت کرده و برایشان کمی صحبت داد و بعد گفت: ببینید عزیزانم با دقت کار کنید من این باره ر‌میان هستم و کمکتان خواهم کرد رنگ‌های شاد و زیبای ریائی دایتان آورده‌ام هر کجا مشکل داشتید از من سوال کنید ما با کمک یکدیگر و کمک‌های بی‌دریغ مدیر مدرسه یک تهر بسیار زیبا درست خواهیم کرد، درست مثل تصویر اصاب این کار برای شما بسیار لذت بخش و جالب خواهد بود و تصاویری خواهید کشید که تا به حال در هیچ کجا کشیده نشده است. سپس استاد از آن‌ها خواست که هر کس با توافق بقیه محدوده‌ی خود را مشخص کرده و شروع کنند و سپس برای هر هنرجو یک جعبه لوازم طراحی و نقاشی داد و گفت حالا هر کدامتان یک

جعبه‌ی کامل لوازم طراحی دارید و نیازی به کمک دیگران ندارید اگر باز هم احساس نیاز کردید به من بگویید تا بلافاصله در اختیارتان بگذارم. و این بار هنرجویان با آرامش محدوده‌ی نقاشی خود را با همفکری و مشورت با استاد مشخص کرده و بسیار جدی و مصمم شروع به کار کردند آن‌ها برای همدیگر یک یار و راهنمایی دلسوز بودند و به هماهنگی و همکاری بسیار توجه داشتند. یک نگاهشان به کار خودشان و نگاه دیگرشان به کار دیگری بود کسی دوست نداشت که تنها نقاشی خودش زیبا شود، بلکه همه‌ی خواستند، موفق بشوند و علاوه بر کار فردی، کار گروهی را هم زیبا باشد؛ لذا همه دلسوزانه یکدیگر را راهنمایی می‌کردند و هر کجا مشکلی بود از استاد می‌پرسیدند. استاد با کمک دستیارانش با دقت به کار تک تک آن‌ها نظارت داشت و ایرادشان را می‌گرفت و همه هنرجویان را راهنمایی می‌کرد به کسانی که ضعیف‌تر از بقیه بودند و مهارت کمتری داشتند، بیشتر توجه داشت و رنگ‌های ساده و بی‌انگیز بیشتری به آن‌ها می‌داد تا بتوانند تسلیم بر زیبایی بکشند بعد از مدتی به دستور استاد یک یا دو نفر، تصاویر را به دیوار چسباندند و این بار تصاویر منظره بسیار زیبا بود، درست مثل اصل آن، تصویر زیبا و هماهنگی که چشمان هر بیننده‌ای را خیره می‌کرد و تا به حال کسی نظیرش را ندیده بود.